



تتبع، تحقیق و نگارش:
دوکتور صلاح الدین « سعیدي ـ سعید افغاني »

د نشر نیټه: 15 نوامبر 2026 میلادی

مفتاح الأسما / د نونومو کلي / کلید نامها

Key of Name's

دا د هغه ستر، جامع او کامل قاموس نوم دی چې له کلنو راهیسې پرې کار کوم او زما د ژوند له پوو فرهنګي ستر پروژو څخه شمېرل کېږي!

په شپږو ژبو (پښتو، دري / فارسي، عربي، انګلیسی، چکي، او آلماني ژبو) او اوس اوس ۶۵۰۰ پاڼې لري چې امیدواریم د ستر الله په مرسته تر بوه کاله ، د بشري توان په چوکات کې بشپړ کړم!

لاندې لیکنه د دې ستري او کاملې ډیکشنرۍ او قاموس بوه رهنمودي او څېړنیزه برخه ده، چې تاسې ته په دري ژبه وړاندې کېږي!

د اسلامي اصولو سره سم د اولادونو د نومونو غوره کول

نام گذاری اولادها در پرتو هدایات و رهنمود های اسلامی

Naming Children According to Islamic Norms and Rules

قاموس مذکور برای استفادۀ سکتور خصوصی و برنامه های بزرگ سیاسی، اقتصادی و امنیتی ممد و توحید کنندۀ خوب منبع، خواهد بود. این کار انستیتوتی که به هماهنگی تیم بزرگ و امکانات مالی و سیع ضرورت داشت، در حدود امکانات محدود ما بیشتر از ۹۰ فیصد، تکمیل شده و (ان شاء الله تعالی) تا یکسال تکمیل خواهد شد!

این منبع و قاموس برای نامگذاری اطفال و توحید اسناد هویت (تولد خط، تذکره، پاسپورت و...) میباشد. تکمیل این پروژه وکار فرهنگی، علمی و تحقیقی ایجاب داشتن تیم کاری و مسلکی دوامدار به سطح بزرگ و یا دولتی ایجاب میکند و دارد.

«محتوای این مضمون بیانگر نظر نویسندۀ آن است و ارگان نشراتی مولانا سعید افغانی مسئولیتی در قبال آن ندارد.»

اما تا حال از فوند و امکانات بنیاد پدر بزرگوارم، مولانا داکتر محمد سعید «سعید افغانی» استفاده نموده و به روح پاک ایشان هدیه میدارم! الله متعال ایشان را غریق رحمت کند!

از هرگونه نظرسازنده و رهنمودی شما را درین عرصه استقبال خواهیم کرد.

داکتر صلاح الدین « سعیدي ـ سعید افغاني »

۱۱ نوامبر ۲۰۲۶

drssayedi1@gmail.com, strategicstudies@yahoo.com

***

در جوامع بشری، دینی و اسلامی در تطبیق نظم و قانون و یا در صورت تخلف، عمدتاً و در کل دو مرجع تطبیق قانون ومراعات قواعد وقوانین عمل میکنند:

۱/ مرجع دولتی – مراجع عدلی و قضایی که مکلف به تطبیق قانون اند. درین عرصه در زندگی بشری در ابتدا قوانین و قواعد توافق شده ای مسلط بر جامعه و کردار فرد و مجموعه های انسانی به صورت غیر تدوین شده، با استفاده ازمنابع اسلامی توسط فقها و مجتهدین مسلکی و بعداً به شکل تدوین شده و یا انتخاب از فتوای متعدد مراجع قانون گزاری نظم و قواعد را تطبیق و مجریان قانون آنرا در عمل به منصۀ اجرا قرار میدادند.

مندرجات و مواد این قواعد و قانون، منطقاً با داشتن ساختار داخلی و یا ساختار طبعی درونی داشته و دارند: اگر از چراغ سرخ در سرک گذشتی، جریمۀ ای ... افغانی صورت گرفته میتوانی، که در صورت عدم پرداخت، مرجع دولتی مکلف به تطبیق آن است. اینگونه قواعد و اعتقاد به تطبیق و تطبیق آن، در ایجاد نظم، امنیت، تربیتی و وقایه در جامعه ضرورت جدی است. وجود فکر تحمیل و اجبار در صورت عدم مراعات قواعد از ضروریات این مبحث است.

۲/ برای مسلمان و شخص دارای اصول معین اخلاقی مرجع دوم تحمیل کننده، قاضی داخلی خود انسان باورمند به اصول و مسلمان است. که درین صورت قرار دادن احکام و هدایات اسلامی و یا معیار اخلاقی معین به صورت و در چوکات قوانین ومقررات و یا به گونۀ داوطلبانه، تحت نظر وجدان داخلی و نظارت اخلاقی جامعه، به اجرا و عدم اجرای مسأله مهم و مطرح میباشند. بخش ازین اوامر، نواهی، قواعد به صورت دقیق روشن و واضح، بیان شده که به چه امور پرداختن ممکن، مجاز و اخلاقاً درست است و یا به چه امور نه. دربعضی موارد اساس وهدایت قانون، اخلاق و قواعد دینی در پهلوی هم و در موارد تنها قانون مطرح اند.

در قواعد واوامر دینی هم درسطوح مختلف امر و نهی قرار دارند و در موارد صرف سفارش و بهتر دانسته شده و در موارد درجه بندی متفاوت است. به این ترتیب اعمال انسان در اسلام به پنج کته گوری **(فرض، واجب، سنت، مکروه، مباح و حرام)** تقسیم میشوند که در موارد زیر مجموعه های خود رانیز دارند. به این ترتیب دریک فهم کلی فرض و واجب را در یک کتگوری نیز قرار میدهند. عمل سنت هم از امر، نهی، فعل و سکوت (پیامبر اسلام محمد « ص » حضور داشت و صحابی به کار و یا قول پرداخته و پیامبر اسلام ممانعت نه کرده.) میباشد. درجۀ تأکید به آن در سطح فرض و واجب نیست. کتگوری عمل مباح که سفارش و یا جواز دارد گفته میشود.

اعمال هم وجود دارند که سفارش میشوند که بهتر است مسلمان به آن نپردازد ویا بپردازد (رخصت و عزیمت). مسأله **رخصت و عزیمت**. **رخصت** به معنای سهل، آسان ساختن و سبک کردن و **عزیمت** به معنای مصمم بودن وداشتن تصمیم قطعی و جدی بر انجام دادن کاری است.

فقها در مورد این دو اصطلاح اصولی تعابیر مختلفی دارند. غالباً گفته اند که **عزیمت** آن دسته از احکام شرعی اند که اختصاص به شرایط خاص و مکلف خاص ندارد و شارع آن را به اقتضای مصالح ذاتی وعام آن تشریع کرده است، مانند وجوب نماز و روزه و حرام بودن خوردن ربا و گوشت خوک.
شارع مطابق آموزه های اسلامی، در جامعۀ اسلامی، الله تعالی و برای مسلمان امروز منابع دینی، مفتی و مقنن کشور (جامعۀ) و حاکمیت اسلامی است.
برای مسلمان محتاط و دوری کننده از گناه بهتر است درمورد انتخاب و گذاشتن نام براطفال، قواعد، اصول و سفارش های معین را مانند سایر مسایل در زندگی مراعات کند تا صورت وسیرت آن به این روش و قواعد ملبس و روشن شود و اولادش چنان نام مناسب داشته باشد که به شخصیت طفل از داخل شخصیت وی و محیط ماحولش، بر وی تأثیر مثبت و خوب بگذارد. این نامگذاری از یک جانب وجیبۀ اخلاقی و از جانب دیگر نام مناسب حق مسلم طفل است.

مسلم است که داشتن علم به این سفارش ها و قواعد نام گذاری اطفال باید صورت گیرد و در صورت مراجعه به عالم امر دینی واسلامی بهترین و مناسبترین راه حل به شمار میرود و است.
این روش در اکثر مذاهب و جوامع جهان همراه با افراط و تفریط و اکثریت ادیان و خاصتاً ادیان ابراهیمی در نظر گرفته شده و مراعات میگردد. اعتدال لازم در مورد دین مبین اسلامی است!
هستند بخش از مسایل ایکه بهتر پنداشته شده و بخش از مسایل دیگر منع، حرام و یا مطلوب نیستند.
داشتن دانش و فهم لازم انسان را قوت و فرصت انتخاب بهتر میدهد.

درین صورت منظور ما زمانیکه میگویم عبد الجاوید یعنی (عبد) که به دوم معنا و مفهوم است:
۱/ (عبد) به معنای بنده همان جاوید که من وخودت مانند خود را عبد ذات باری تعالی میدانیم واست. و
۲/ (عبد) به معنای غلام و خدمتگار آمده است که در موارد خلط (بنده و غلام خدمتگار) آمده است که در هردو صورت، مفهوم درست است اما در موارد هر دو مفهوم برای مسلمان مجاز و قابل پذیرش نیست، مانند عبدالحسین که بعداً تفاصیل خواهم داشت.

همچنان قابل تذکر است که، معادل انگلیسی الف لام تعریف عربی (ال) در زبان انگلیسی آنرا ارتیکل میگویند (تی) مشخص میسازد و زمانی استعمال میشود که ما مثلاً از کتاب و یا شخص معین و مشخص صحبت داریم « الکتاب » (تی بوک).
یک موضوع دیگر التقاطی دیگر مهم همان در مورد اصل کلمه و اینکه چه کلمه، لغت و اصطلاح اصلاً از کدام زبان است؟ و چه وقت در زبان دیگر داخل شده و به عاریت گرفته شده؟ و چه وقت جز زبان جدید محسوب میگردد؟، چه قواعد درین راستا وجود دارند؟ بحث خوب ، اما عریض وطویل و علم مستقل (ایتومولوجی)، به نحوی ازعلوم دوازده گانۀ علم زبان شناسی (لینگویستیکا) به حساب میروند. رفتن به ان جانب را درین چوکات سفارش نمی کنم و یا در ضرورت حد اقل خویش قرار دارد.
مسلمان خوش است بندۀ الله تعالی و خدمتگارمعبود خویش الله متعال، باشد ودرین برای مسلمان مشکل وجود ندارد، بلکي مطلوب است.
منظور ما ازین بحث تنویر در مورد لغزش ها معین بین مسلمانان که عمدتاً یا عدم توجه یا به دلیل عدم معرفت به این باریکی ها میباشد.
اینکه با آمدن تمدن عرب چقدر زبان های کشور های اسلامی غنی یافتند و چقدر اصلیت خویش را ازدست دادند و کدام یک چقدر خوب بود که باید باقی میماند و کدام مسأله باید تجدید شود و بشریت تجارب خویش را ازیک به دیگر انتقال دهند.

مسلم که ادیان قبلی چون زردشتی، بودایی و یا اسلام کدام یک بهتر بود؟ مسایل اند دارای ابعاد و جوانب مختلف که قواعد اسلامی درین زمینه روشن است و مسلمانان به این باور اند که پیامبران زیاد الهی گذشته، که نام بعضی ازایشان را میدانیم و نام همه را نمی دانیم. از نظر اسلامی آخرین پیامبر بزرگوار اسلام است که ادیان قبلی نام گرفته شده و نام عدۀ دیگر گرفته نه شده است.

آخرین دین ، دین مبین اسلام است که در تمام ساحات زندگی رهنمود ها و هدایات خود را دارند و از جمله در مورد گذاشتن نام بر اطفال و رهنمود ها مربوط به آن دارد.

برای مسلمان درمسایل کلتوری و فرهنگی بخش از مسایل قابل بحث اند و نظر واحد با وجود منابع مشترک اساسی (قرآن کریم و سنت رسول الله ص مانند منابع اولی.) در داخل عقاید دینی هم برداشت واحد به استثنای مسایل بنیادی، وجود ندارند، اما برای مسلمان دین مبین اسلام در مقام اول قرار دارد که آخرین دین اسلامی به حساب میرود و هست.

در سلسلۀ انتخاب نام ها و از صد ها مثال که ضرورت به فهم، دقت او احتیاط دارد نام و اسم جاوید را انتخاب کرده أند برآن مکث میدارند که اگر از اسم جاوید که کلمۀ پارسی/ فارسی/ دری/ پهلوی ویا ... باشد و یا به عاریت گرفته شده اما جاوید به معنای همیشه موجود و ابدی است.
مسلمان به این باور است که ذات ازلی و ابدی (جاوید) ذات باری تعالی است. کل من علیها فان ویبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام. « هرکه درین دنیا است فانی شوند و رفتنی است و صرف ذات پروردگاه دایمی، ماندگار و جاوید است.
حال برای کسیکه مسلمان است خلاف این را ولو به صورت غیر قصد باید به خاطر احتیاط هم چنین نام خود را جاوید (ماندگار) بخواند و یا قصداً استعمال کند. الله تعالی جاوید و ماندگار چیزی نگوید که است و ما مسلمانان بندگاه ان ذات ماندگاریم.

اما اگر شخص ازین حکم خبر نداشت و گفت و تا حال بکار برده، مشکل گناهگاری نیست. اما بعد از رسیدن این حکم و فهم تفسیر مسأله، باید جداً محتاط و از چنین لغزش دوری جوید و یا تصحیح کرد.
تغیر نام در کشور های جهان با کم تفاوت پروسیجر های اداری خود را دارد و رسماً ممکن است.
معمولاً ادارۀ ثبت ولادت و تولد خط ساده دلیل تبدیل کردن نام را میخواهد و بعد نام جدید انتخاب شده و نظر متخصص فن مربوط، پرداخت مصارف اداری و آغاز پرسیجر تقسیم نام شروع شد و سند جدید نام برای شما بعد از طی مراحل ارسال میگردد.

درین سلسله درکتابت و توضیحات نامهای گرفته شده از قرآن کریم و باید گفت که اولاً لفظ، معنا و محتوی قرآن کریم هردو مقدس اند. اعجاز قرآن کریم درافاده های معین عربی وهماهنگی زیبای عربی آن است که در زبان های دیگر به این قوت، زیبایی و ترنم افاده میشود.
در بخش ترجمۀ قرآن کریم به طور مثال مشخص، ترجمۀ مستقیم و مختصر بسم الله الرحمن الرحیم، باید گفت که نمی توان به صورت کامل ترجمه کرد. رحمن و رحیم آنقدر جزییات دارند که با برخورد دقیق صرف و صرف در تفسیر ممکن است آنرا افاده کرد و ترجمۀ حرف به حرف آن ممکن نیست.
صد ها مورد است که قرآن کریم و کلمات که منظور ازآن است مشکل و ایجاب فهم سیاقی را میکند و در موارد حروف مقطعات ترجمه ممکن نیست.
با وجود مشکلات و پیچیده گی ها ترجمۀ نصوص شرعی و قرآنی برای انتقال مفاهیم ازیک زبان به زبان دیگر بس ابعاد مختلف دارند وافاده های قرآنی در تقسیمات معین به تقسیمات بیستگانه میرسد که در علوم تفسیر و علوم حدیث و...، قواعد زیادی درین عرصه وجود دارند.
گرفتن آیات قرآنی و ترجمۀ سادۀ آن بدون تفسیر و دهها جانب دیگر مسأله برخورد شرعی نیست. این کار کار مجتهد و فقیه دارای شرایط معین مرتبۀ رسیده به اجتهاد است. مجتهد کی و کدام شخص شرایط آنرا دارد بحث طویل و عریض و اختلاف نظر وجود دارد.
لذا در تهیۀ این دیکشنری در انتخاب و ترجمۀ نام این مسایل کلی به نحوی منعکس یافته که در صورت عدم توجه به این جوانب مسأله ما را به خطاهای جدی میکشاند.

چنانچه مستند گفته آمدیم دین مقدس اسلام ازنظر یک مسلمان یکی از کاملترین و جامعترین دین از ادیان الهی است که برای تمام ادوار ولحظات زندگی ودوران عمر، رهنمود ها ودساتیر خاص و معین

برای انتخاب نام با مفهوم دارد، که از جمله این دساتیر، رهنمود های است در مورد نامگذاری نوزاد ها.

از سنت های دین مقدس اسلام در مورد نوزادان ، گفتن اذان و اقامه در گوش راست و چپ اوست . در روایات اسلامی آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم این سنت را دربارۀ نواسه های خویش، انجام داده است.
در کشور عزیز ما افغانستان از قدیم الایام طوری معمول است که بعد از گذشت چند روز از تولد انتخاب میکنند که بیشتر از این نام ها توسط پدر کلان ها و کودك و نوزاد، برای نوزاد نام و اسم افراد صالح، علماء ویا پدر ومادر نوزاد از روی قرآن و یا با تمسك جُستن به قرآن عظیم الشأن ویا احادیث نبوی و یا سایر منابع قابل دسترس، مناسب در توافق به سفارش های دینی، اخلاقی، اهتمام والدین و قانونی، صورت میگیرد. معیار برای یک مسلمان خوب همان سنت رسول الله و صحابۀ کرام وسلف صالحین است.

دساتیر پیامبرصلی الله علیه وسلم در مورد نام گذاری:
پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی که از: اصحاب سنن از « سمره » روایت گردیده است فرموده است:
« کل غلام رهین بعقیقته، تذبح عنه یوم سابعه، و یسمي فیه و یحلق رأسه. »
هر طفل ونوزاد در گرو عقیقه اش (عقیقه: ذبح گوسفند به جهت تولد نوزاد در روز هفتم ولادت) است که روز هفتم (این حیوان – گوسفند، به افتخار تولد طفل) سر بریده مي شود و در آن روز نامگذاری شده و سرش را می تراشند. طبق این حدیث نامگذاری اطفال در روز هفتم ولادت صورت میگرد ، ولی هستند احادیثی دیگری که: دلالت دارد بر اینکه این مراسم نامگذاری میتوان در همان روز ولادت هم صورت گرفت، زیر این پروسه باید در کشورهای غیراسلامی در زمان ولادت طفل صورت گیرد.
در حدیثی که « امام بخاری » و « امام مسلم » از« سهل بن الساعدی » روایت گردیده است آمده است:
میگویند زمانیکه « منذر بن ابواسید» بدنیا آمد او را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند، پیامبر صلی الله علیه و سلم در حالیکه نشسته بود، طفل را برسر زانویش قرار دادند، و « ابواسید » نیز در نزدیک پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بود.
راویان میگویند پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در همین اثنا مصروف چیزی که در برابرش بود شد، « ابواسید » امر کرد تا طفل را از سر زانو رسول صلی الله علیه و سلم بردارند.
بعد از مصروفیت پیامبر فرمودند: طفل کجاست؟ « ابواسید » گفت: ای رسول خدا! طفل را بردند.
پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمود: نام اوچه بود ؟ گفت: نام او فلان بود.
فرمودند: خیر، بلکه نام او منذر است.
همچنین درحدیث صحیح دیگری از « مسلم » از سلیمان بن المغیره، از ثابت از « انس » (رض) آمده است که:
پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: امشب طفل بدنیا آمد، او را به نام پدرم ابراهیم (ع) نام نهادم.
از احادیثي که فوق یاد آور شدیم، چنین استنباط نمود که در نام گذاری از لحاظ زمانی وسعت زیادی هست. (چه روز اول تولد، چه قبل از عقیقه و چه بعد از آن در همه ای این حالات ها میتوان پروسه ومراسم نامگذاری صورت گیرد.)

أسماء مستحب و مکروه:

دین مقدس اسلام همیشه بر والدین تأکید وحتی واجب گردانیده است که باید سعی و کوشش اعظمی بخرچ دهند تا بهترین و زیباترین نامها را بر فرزندان خویش انتخاب نمایند.
پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور فرموده است که: « إنکم تدعون یوم القیامة بأسمائکم و بأسماء آبائکم، فأحسنوا اسماءکم . (روایت ابوداود حدیث حسن) (در روز قیامت شما را با نامهاي خود و پدرانتان صدا مي زنند . پس نامهاي نیك برای فرزندان خود انتخاب نماید.)

همچنان در حدیثی دیگری با زیبای خاصی میفرماید: نام أنبیاء را بر فرزندانتان بگذارید و محبوبترین نامها نزد الله تعالی، عبدالله و عبدالرحمن است.
بروالدین واجب است از گذاشتن نامهاي بد شگون بر فرزندان خود خودداری نمایند. همچنین از گذاشتن نامهایي که به خداوند سبحان تعلق دارند ، خودداری کنند.
مانند صمد ، رازق ، خالق و ... (اما عبدالصمد، عبد الرازق، عبد الخالق و ... مشکل ندارد.)، به علاوه از گذاشتن نامهایی که عبودیت را برای غیرالله، می رسانند، اجتناب شود. مانند :عبدالکعبه، عبد النبي و عبد الرسول ...
و بالاخره برای احتیاط بیشتر سفارش میشود که انتخاب أسمایکه دلالت بر عشق سوزان و سرگشتگي دارد و یا از بیگانه گرفته شده اند، سفارش نمی شوند. چنین اسمها، اعتبار امت اسلامی را لکه دار کرده و هویت آن را نابود و معنویات را به تدریج از بین برده میتواند.
چه نیکوست که اسلوب تربیتي اسلام را در زندگی پیاده کنیم و فرزندان خود بر تربیه اسلامی نیز تربیت نمایم.

یادداشت ضروری:

« اصل در نامگذاری فرزندان بر مباح بودن تمامی اسمها است مگر آن دسته از اسمهای که شرع از نام گذاشتن آنها نهیه و منع کرده باشد، خودداری شود.

از جمله موارد ممنوع مي توان گفت:

۱: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: (إِنَّ أَحَبَّ أَسْمَائِكُمْ إِلَى اللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ) ». مسلم (2132). یعني: براستي که محبوترین اسمهای شما نزد الله تعالی، عبدالله و عبدالرحمن است.
بکار بردن اسماء الهی همانند (مجید، حمید، کریم، رحیم و ...). البته اگر کلمه ی « عبد » را به ابتدای آن افزود، یعني بصورت (عبدالمجید، عبدالحمید، عبدالکریم وعبدالرحیم...) جایز، بهترومشکل ندارد.
پس بکاربردن اسماء الهی بدون کلمه ی « عبد » در ابتدای آن جایز نیست.
همچنین گذاشتن اسم « الهه » یا « اله» بر روی دختران حرام است. زیرا « اله » به معنای معبود است، یعني کسی که پرستش مي شود.
۲: گذاشتن اسمهای با عناوین: (عبدالعلی، عبدالرسول، عبدالحسین و امثال آنها) جایز نیست. البته « عبدالرضا » جایز است زیرا « الرضا » یکي از اسماء الهی است.
البته برخی گفته اند که گذاشتن اسم با نام « عبدالمطلب » جایز است و برای ادعای خود به حدیث زیر استناد کرده اند: پیامبر صلي الله علیه وسلم فرمود: « أنا النبي لا کذب ، أنا ابن عبد المطلب» یعني: من پیامبر هستم و دروغ نمي گویم، من فرزند عبدالمطلب هستم. حدیث صحیح از قرن هشتم هجرت.
حال مي گویند چون پیامبر صلي الله علیه و سلم لفظ « عبدالمطلب» را بکار برده است، این دلیلي بر جواز آن خواهد بود وگرنه پیامبر صلي الله علیه وسلم از بکار بردن آن لفظ امتناع می کردند.
اما مخالفین این رأی گویند که: استعمال این لفظ توسط ایشان از باب خبر دهی بوده است تا مخاطبین از گفته او متوجه منظورش شوند. لذا بطور مطلق هرگونه نامگذاری با ترکیب (عبد + اسم انسان) را حرام می دانند حتی عبدالمطلب، و رأی ارجح نیز همین رای است که برداشت من مؤلف این نوشته هم همین است.
۳: نام گذاشتن بوسیله ای اسم کفاری که مشهور هستند یا در حال حرب با اسلامند: مانند (پطرس، جورج، و ...) ممنوع است.
۴: نام گذاشتن بوسیله ای اسم بتها و طواغیت؛ مانند (بودا، شیطان و میترا و آناهیتا و امثال آنها)" ممنوع أند.
درین مورد نیت انسان ازچنین نام، هم جایگاه خویش را خواهد داشت، اما بهتراست ازآن دوری شود.
والله أعلم بالصواب.

اما یکسری از نامها هستند که حرام نیستند ولی از نظر بعضی از علماء مکروه أند. مانند:

۱: اسمهای که معمولا بشر از معنای آن ناراحت می شود. مانند: (هیام) که در حقیقت اسم یکی از امراض شتر است. امثال آن نام های ناراحت کننده مکروه پنداشته میشوند.

۲: گذاشتن اسمهای که معانی شهوت و رخوت مي دهند. مانند (ساقي، آيناز، فتانه و امثال آنها)
۳: گذاشتن اسم فاسقین و کسانیکه به انجام منکرات مشهورأند.
۴: گذاشتن اسمهای که حاکی از گناهی هستند. مانند (سارق، ظالم، قاتل و طرار و نباش و ...). دین مقدس اسلام در سورۀ (حجرات/۱۱) با صراحت میفرماید:« ولاتنابذوا بالالقاب » « و یکدیگر را با القاب (لقب ها) زشت و ناپسند را مخوانید و منامید.»
در حدیثی امام ترمذی و ابن ماجه از ابن عمر روایت می کنند: که هماناحضرت عمر دختری به نام « عاصیه » داشتند، رسول الله صلی الله علیه وسلم نام او را به « جمیله » تغییر دادند.
بناً به پدر ها ومادر ها وبرهیچکس دیگرجایز نمی باشد که: فرزندان و یا کساني را با القاب زشت صدا کنند، مانند « گر » (یا گور) « گنکه) (دیوانه) « گیچ گول ویا همچو اسماء که به تأسف در برخی از مناطق افغانستان وبرخی فامیل ها مروج است.

۵: گذاشتن نام حیوانات مشهور به صفات زشت یا پست. مانند (حمار، کلب، گرگدن)
۶: هر اسمی ایکه به « اسلام » و « دین » اضافه شده باشد. مانند (نورالدین، نورالاسلام، شمس الدین و ...) را نیز شماری از علما سفارش نمی دارند.
۷: هر اسمي که به « الله » اضافه شود بجز عبدالله. مانند:(رحمت الله، حسیب الله و ...)
۸: گذاشتن نام ملائکه بر روی فرزندان. مانند (جبرئیل، میکائیل و ...) البته تسمیه دختران با نام ملائکه حرام است. زیرا این امر تشبه به مشرکین است که ملائکه را مونث و دختران الله مي دانستند.
۹: گذاشتن اسم سوره های قرآن بر روی فرزندان . مانند: (طه، یاسین، و ...) و اسمهای قرآن مانند: فرقان، بیان. و برخی اسم « بیان » را از اسماء قرآن نمي دانند و لذا آنرا جایز دانسته اند.
۱۰: اسمهایکه نشانگر تزکیه باشند بر فرزندان. مانند: (عابد، متقي، زاهد، ایمان وهراسم دیگري که چنین مفهومي داشته باشند، نیز سفارش نمی کنند.
۱۱: گذاشتن اسم انسانهای ظالم و جبار بر فرزندان نیز مکروه است. مانند حجاج. ایم کتگوری با کتگوری شماره چهارم این لست شباهت دارد.
اما بهترین اسمها را می توان بصورت زیر ترتیب گذاری کرد:
مرتبه ای اول: عبدالله و عبدالرحمن.
مرتبه ای دوم: اضافه کردن « عبد» به « اسماء الله»، مانند (عبدالعزیز، عبدالمجید، عبدالقهار و ...)
مرتبه ای سوم: اسم انبیاء و رسولان الهي. و بدون شک بهترین آنها اسم پیامبرمان صلي الله علیه وسلم یعني « محمد» است. بعد از آن سایر پیامبران اولولعزم مانند (ابراهیم، عیسی، موسی، نوح) علیهم الصلاة والسلام می باشند. و بعد از آنها نیز بقیه انبیاء الهی همچون: یوسف، اسماعیل، یعقوب و دیگرن علیهم الصلاة والسلام.
مرتبه ای چهارم: اسم بندگان صالح خداوند. همچون اصحاب پیامبر رضي الله عنهم اجمعین.
مرتبه ای پنجم: هر اسم زیبایی که معنای زیبایي داشته باشد.
حکم اسلام به وجوب برگزیدن نام های عربی یا غیر عربی برای فرزندان، مذکر یا مؤنث نیست، بلکه چنین مسأله ای را به خود خانواده واگذار کرده است و از آنان می خواهد که در نامگذاری فرزندان خود از نام های نیک استفاده کنند. اما اسلام اصولی برای نامگذاری کودک قائل است:
۱: نام، نیک باشد به طوری که مردم آن را قبیح و بد نشمارند و کودک پس از بزرگ شدن و به حد بلوغ رسیدن از آن اکراه نداشته باشد. در ضمن نام شخصی نباشد که بر فسق و فجور در میان مردم مشهور است و امثال آن، این گونه اسامی برای نامگذاری مناسب نیست. پیامبر گرامی (صلی الله علیه واله و سلم) نام های بد را به نام های نیک تغییر می داد. ایشان نام « قلیل » را به « کثیر» و نام «عاصیه » را به « جمیله » تغییر دادند.
۲: نام، بیانگر پرستش غیر خدا نباشد؛ مانند: عبد الکعبه یا عبد النبی، یا عبد الحسین و امثال آن. ابن جزم روایت می کند که امت برتحریم هرگونه نامی که بیانگر پرستش غیر خدا باشد، جز «عبدالمطلب» اجماع دارند. اما در قسمت نام عبدالمطلب هم اوردیم که نام انتخاب شده وقبل از اسلام بود و ذکر پیامبر

اسلام از عبدالمطلب بیان گذشته بود. نام هایی که میان غیر عرب معروف است، مانند غلام احمد، غلام علیف غلام گیلانی و امثال آنها از جمله ی نام های حرام هستند.
۳: نام، بیانگر تکبر، عظمت و خود برتر بینی نباشد. در حدیث صحیح روایت شده که پیامبر گرامی (صلی الله علیه واله وسلم) می فرماید:
«أخنَعُ إسمٍ عندَ الله يَومَ القِيامَةِ رَجُلٌ تُسَمى مَلِكُ الأملاک، لا ملک الا الله»
(زشت و بد ترین ترین نام نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که خود را شاه شاهان، شاهنشاه نام نهاده باشد، در صورتی که فقط خداوند متعال مالک و صاحب این جهان است.)
همچنین نامگذاری با یکی از نام هایی که مختص خداوند متعال باشد (اسماءالله الحسنی) مانند: رحمان، رحیم، مهیمن، جبار، متکبر، خالق، بارئ و امثال آن حرام است. به همین ترتیب، نام گذاری با نام هایی که مختص خداوند متعال نیستند، اما علامت معرفه دارند، مانند: العزیز، الحکیم، العلی، الحلیم و امثال آن جایز نیست، ولی توصیف اشخاص با اسامی به صورت نکره هیچ اشکالی ندارد، و همان طور که شاهد هستید نام هایی چون : علی و حکیم نام اصحاب پیامبر بود یا اسامی دیگر مانند: عزیز، حلیم، رؤوف، کریم، رشید، هادی، نافع و امثال آن که از این قبیل است.
۴: سنت است که تسمیه ی اشخاص با یکی از نام های پیامبران و صالحان باشد، تا از یک طرف یادی از آن بزرگان گردد و از طرف دیگرسبب تشویق و ترغیب و پیروی از آنان شود.
یا تسمیه با نام هایی که بیانگر پرستش خداوند متعال است، باشد در حدیث نبوی روایت شده که: «أحَبُ الأسماء إلَى الله عَبدُ الله و عَبد الرحمن»

(خوشایندترین نام ها در پیشگاه خداوند متعال عبدالله و عبدالرحمان است.) سایر نام های نیک، از این قبیل می باشد مانند:عبدالعزیز،عبدالعلیم،عبدالخالق، عبدالمالک، عبدالواحد وامثال آن برآن قیاس میشود.

۵: تا آنجا که میدانیم، هیچ فقیهی نام گذاری اشخاص را با یکی از نام های غیر عربی- اگر آن نام در آن زبان نیکو باشد- ممنوع ندانسته است. بسیاری از مسلمانان پس از آن که اسلام را پذیرفتند بر نام های غیر عربی خود باقی ماندند، با وجود این که در محیطی عربی بودند.
نمونه ی بارز آن « ماریه » دختر شمعون مشهور به ماریه ی قبطی مادر ابراهیم پسر پیامبر گرامی (صلی الله وآله و علیه و سلم) است، که با همان نام قبطی مصری در میان مسلمانان مشهور است. وقتی که به اسامی اصحاب و تابعان آنان نظری بیافگنیم، در می یابیم که نام آنان یا در اصل نام گیاهان است، مانند: طلحة، سلمة، حنظلة و... یا از نام های حیوانات و پرندگان است، مانند: فهد، اسد، هیثم، صقر و... یا از نام جمادات و اشیای طبیعی است، مانند: بحر، جبل، صخر و... یا از اوصاف مشتق شده است، مانند: ع امر، سالم، عمر، سعید، فاطمة، عائشة، صفیة، میمونة و... یا نام یکی از پیامبران و صالحان پیشین است، مانند: ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، مریم و...

در پرتو چنین اصولی است که پی می بریم هر مسلمان می تواند از نام های عربی و غیرعربی اما مناسب برای نام گذاری فرزندش استفاده کند.
الله متعال فرزندان ما و شما را اهل صالح و طالع، در خدمت خود، فامیل و جامعه بزرگ کند.

امین یا رب العالمین
پایان

تتبع، تحقیق و نگارش: دوکتور صلاح الدین « سعیدی ـ سعید افغانی »
۱۱ نوامبر ۲۰۲۶
تیلفون – وتس اپ: ۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

www.said-afghani.org ـ بازگشت به صفحه اصلی